

خشم خداوند نسبت به کسی که دعا نمی‌کند

آیت‌الله تهرانی با بیان اینکه دعا نوعی تحکیم رابطه بنده با پروردگارش است، گفت: در روایات اسلامی بر این تأکید شده که اگر در اجابت کمی تأخیر شد نباید سرخورده شده و دعا را کنار گذاشت.



آیت‌الله تهرانی با بیان اینکه دعا نوعی تحکیم رابطه بنده با پروردگارش است، گفت: در روایات اسلامی بر این تأکید شده که اگر در اجابت کمی تأخیر شد نباید سرخورده شده و دعا را کنار گذاشت.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت‌الله مجتبی تهرانی از اساتید برجسته اخلاق در تازه‌ترین جلسه از جلسات اخلاق و معارف اسلامی ویژه ماه مبارک رمضان به موضوع «غضب الهی در ترک دعا و تحکیم رابطه ربّ و عبد در استمرار دعا / دعا و درخواست از خدا واجب است» پرداخت که مشروح آن در پی می‌آید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَوَّعْتُ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ».

گفته شد ماه مبارک رمضان ماه تلاوت آیات الهیه و ماه دعا است؛ یعنی حاجات خود را طلب کردن و درخواست از خداوند و راز و نیاز کردن عبد با ربّ خود و دعای به خیر کردن، چه برای خود و چه دیگران، که یا دنیوی باشد یا اخروی.

جلسه گذشته دو مطلب را عنوان کردم؛ یک: در روایت هم بود که اگر آثار اجابت را دیدی سپاسگزاری کن و اگر هم در اجابت تأخیر بود، باز هم سپاسگزاری کن. بعد در آن دو نکته بود که عرض کرد اگر در اجابت تأخیر شد، مبدا سرخورده بشوی و بعد در پی این سرخوردگی دعا را ترک کنی. این آخرین مطلبی بود که جلسه گذشته عرض کردم و در روایات هم بود که باید در همین رابطه تذکراتی بدهم.

مروری بر روایات گذشته

روایاتی که در آخر جلسه گذشته به آن اشاره کردیم، این‌چنین تعبیراتی داشت، «ما يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا عَرَفَ الْإِجَابَةَ مِنْ تَفْسِهِ فَشَقِيَ مِنْ مَرَضٍ أَوْ قَدَمٍ مِنْ سَقَرٍ»، تا آنجا که می‌گوید: «يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ و در روایت بعدی می‌گوید: «وَ إِذَا أَبْطَأَ عَلَيْهِ الْإِجَابَةُ»؛ اگر در اجابت تأخیر باشد، «فَلْيَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»؛ آنجا هم مسئله سپاسگزاری مطرح می‌شود.

بعد وارد بحث استعجال در دعا شدیم، یعنی اینکه بخواهی برای اجابت عجله کنی. در آنجا روایت بود که حضرت به ابوبصیر فرمودند: «لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ وَ رَجَاءٍ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ فَيَقْطَعْ وَ يَتْرَكَ الدُّعَاءَ»؛ یعنی استعجال در دعا نهی شده و بعد هم گفته‌اند که این قنوط و یأس را در پی دارد و بعد هم مسئله ترک دعا را مطرح کرده‌اند.

استعجال، سیری برای ترک دعا

مطلبی را می‌خواهم عرض کنم که در باب سرخوردگی است. یعنی شخص در اجابت استعجال دارد و بعد به تأخیر می‌افتد، در اینجا موجب می‌شود که آن فرد قنوط کند و بعد هم مأیوس شود. مأیوس که شد، دعا را کنار می‌گذارد. در اینجا او دعا کرده، اجابت به تأخیر افتاده، بعد یأس ایجاد شده و ترک دعا می‌کند. در پایان کار ترک دعا است.

تعبیرات در ترک دعا

می‌خواهم در مورد ترک دعا بگویم که در معارف ما چگونه است؟ ترک دعا به‌طور کلی، حال چه دعایی باشد که به اجابت نرسیده و تأخیر افتاده و چه دعایی که اصلاً انجام نشده است. در اینجا ضمیمه کردم که بدانید عقبات بسیار بدی دارد. به همین خاطر از آن نهی

شده و تعبیرات غلیظی هم داریم. در روایتی هست از پیغمبر اکرم دارد: «مَنْ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ خدا به کسی که دعا نمی‌کند خشمگین می‌شود. حالا این روایات را تک‌تک عرض می‌کنم. دقت کنید! روایت دیگری است باز پیغمبر اکرم که: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: قال الله تعالى: مَنْ لَا يَدْعُونِي أُغْضَبُ عَلَيْهِ؛ یعنی پیغمبر فرمود: «قال الله تعالى؛ خدا فرموده است: کسی که از من درخواست، دعا و تقاضا نکند، به او خشمگین می‌شوم. خیلی صریح بیان می‌کند.

خدا از عبد می‌خواهد، اما عبد نمی‌دهد!

روایت دیگری از پیغمبر اکرم است که: «يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ رَجُلٌ فَيَقُولُ لَهُ رَبُّهُ تَعَالَى: مَا تُعْطِينِي إِنْ أُخْرِجْتُكَ؟؛ شخصی است که در روز قیامت سر از آتش جهنم بیرون می‌آورد. خدا به او می‌گوید: چه به من می‌دهی اگر تو را از این جهنم نجات دهم؟ «فَيَقُولُ: يَا رَبِّ! أُعْطِيكَ مَا تَسْأَلُنِي؛ هر چه بخواهی به تو می‌دهم، فقط من را از این آتش‌ها بیرون بیاور. «فَيَقُولُ لَهُ: كَذَبْتَ؛ خدا به او می‌گوید: دروغ می‌گویی! چرا؟ «وَعِزَّتِي قَدْ سَأَلْتُكَ مَا هُوَ أَهْوَنُ مِنْ ذَلِكَ؛ قسم به عزتم من از تو یک چیزی را درخواست کردم که از این درخواستم خیلی پائین‌تر و کمتر بود، اما ندادی، «فَلَمْ تُعْطِنِي؛ خیلی پائین بود و از تو خواستم اما به من ندادی. حالا چه چیزی خواسته؟ «سَأَلْتُكَ أَنْ تَسْأَلَنِي فَأَعْطِيكَ؛ من از تو خواستم که در دنیا هر چه از من بخواهی به تو بدهم، «وَدَعَوْنِي؛ از من درخواست و دعا کن، «فَأَسْتَجِيبُ لَكَ وَتَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَكَ؛ از من از گناهی که کردی پوزش بطلب، که من می‌خواهم تو را بیمارزم.

عبد به ریش اعتنا نمی‌کند!

این‌ها را در دنیا گفتم اما نکردی، «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ مگر من این‌ها را نگفتم؟ ولی اصلاً اعتنا نکردی، اما حالا اینجا که آمدی و سر از آتش بیرون آوردی، می‌گویم: چه به من می‌دهی و تو می‌گویی: هر چه بخواهی؟! آنجا که از تو خواستم و همه‌اش به نفعت بود، حاضر نشدی.

واجب است که از من درخواست کنی

در روایتی از پیغمبر اکرم است که: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: تَرَكَ الدُّعَاءَ مَعْصِيَةً؛ اگر کسی دعا نکند، یعنی بنایش را بر این بگذارد که دعا نکند، معصیت کار است. نمی‌خواهم از بحث منحرف شوم و بحث‌های فقهی بکنم اما باید عرض کنم: چه بسا بعضی‌ها این امری که در آیه «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ آمده است را یک امر الزامی گرفته باشند؛ یعنی واجب است که شما درخواست کنید و البته قهراً با این روایت همین‌طور است. می‌خواهم عرض کنم: چقدر بر این تأکید می‌شود که اگر کسی دعا را ترک کند، خدا به او غضب می‌کند و از او خشمگین می‌شود. البته نمی‌خواهم بگویم این معصیت است. بحث این است و بر این تأکید شده که اگر در اجابت کمی تأخیر شده، نباید سرخورده بشوی و دعا را کنار بگذاری!

حقّ مسلم عبد

ما در معارفمان این را داریم که چه بسا عبد مستحق باشد تا از ناحیه ربّش، عنایاتی بشود و خیر کثیری به او رو بیاورد، اما چون دعا و درخواست نمی‌کند، خدا به او نمی‌دهد. از نظر علمی این بحث مطرح است که اعطا مشروط به درخواست است. این بحثی است که یک وقتی کرده‌ایم و اینجا جایش نیست.

به تو می‌دهم، اما اگر بخواهی!

یک چیزهایی وجود دارد که این‌ها برای همه موجودات منضبط است، مثل اینکه روزی او را برساند؛ اما چیزهای دیگری وجود دارد که

نه، زیادتى است، زیادتى‌ها مشروط است. مثال مى‌زنم: كسى را استخدام مى‌كنم و مى‌گویم: این مقدار به تو مى‌دهم كه براىم كار كنى. اما اگر از من درخواست كنى، بیشتر به تو مى‌دهم. بى‌درخواست، مزد این است؛ یعنى اگر درخواست زیادتى كردى، آن وقت به تو مى‌دهم. مطلب این را مى‌گوید: آن شخص مستحق است و اگر درخواست كند به او مى‌دهم، اما چون درخواست نكرده به او نمى‌دهم. بنابراین ترك دعا خیلی ضرر دارد.

بخواه تا بدهم

«#; رُوىَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنْ اللَّهُ لِيُمْسِكَ الْخَيْرَ الْكَثِيرَ عَنْ عَبْدِهِ؛ خداوند جلوى خير كثير را مى‌گیرد، كه به بنده‌اش نرسد، «#; فَيَقُولُ لَا أُعْطِيهِ حَتَّى يَسْأَلَنِي؛ مى‌گوید: من این را به او نمى‌دهم تا اینکه از من درخواست كند و بخواهد.

شرح مسئله: خدا مثل ما نیازمند دعاست؟

در اینجا باید به نکته‌ای اشاره كنم و آن اینکه، «#; نعوذ بالله» مگر خدا مثل ما است كه وقتى كسى به او رو بیااندازد، لذت ببرد و به او بدهد؟ اصلاً و ابداً این‌طور نیست. پس چگونه است كه مرتب مى‌گوید: بخواهید تا بدهم، بخواهید تا بدهم، «#; اَدْعُونِي أُسْتَجِبْ لَكُمْ». این بحث در قرآن و روایات بسیار مطرح شده و بحث كلى و ریشه‌دار و عمیقى است. در اینجا خدا را به خودت قیاس نكن؛ خدا مثل من و تو نفس شهوت و... ندارد كه خوشش بیاید. این حرف‌ها درست نیست.

باید پیوند ربّ و عبد محكم شود

اینجا بحث بسیار عمیق و لطیف معرفتى مى‌كند. اینکه عبد باید از خدا درخواست كند، برای «#; تحكیم رابطه ربوبیت و عبودیت» است. اگر بنا بشود كه خدا همه چیزها را درست كند، اصلاً و ابداً خدا یادمان مى‌رود. از یاد مى‌بریم كه پروردگار چه كسى است؟ و فراموش مى‌كنیم، كسى كه پرورشان مى‌دهد کیست؟ اگر بنا بشود تمام امور بر منوال خودش بچرخد و بحث دعا و تقاضا و... كنار برود، پس خدا هم كنار مى‌رود. دیگر رتّم را نمى‌شناسم و نمى‌دانم آن كسى كه دارد من را پرورش مى‌دهد کیست. چون دعا در ارتباط با احتیاجات، چه معنوى و چه مادى است. دعا برای تحكیم رابطه ربوبیت و عبودیت عبد است. تحكیم این رابطه است، كه مى‌گوید دعا كن و از من بخواه تا به تو بدهم و اینکه بفهمیم بر سر سفره چه كسى نشسته‌ایم.